

نقشه راه
مسیر زندگی
مصطفی رضایی

بسم الله الرحمن الرحیم

نقشه راه

نویسنده:

مصطفی رضایی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نقشه راه

مشخصات کتاب

سرشناسه:رضایی، مصطفی، ۱۳۷۱ -

عنوان و نام پدیدآور:نقشه راه/ مولف مصطفی رضایی.

مشخصات نشر:قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری:۴۸ ص.؛ ۵/۹ × ۵/۱۹ س م.

شابک:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۴۱-۵

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

یادداشت:کتابنامه.

موضوع:داستان های فارسی -- قرن ۱۴

موضوع:داستان های مذهبی -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره:۱۳۹۳ ۷ن۲۲۱۷ض/۸۳۴۵ PIR

رده بندی دیویی:۶۲/۳فا۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۰۴۷۴۲

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحیم

نقشه راه

مؤلف: مصطفی رضایی

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

ویراستار: سیده زیتون هاشمی

صفحه آرا: داوود هزاره

طراح جلد: امیر تدین

نوبت چاپ: اول- پاییز ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۴۱-۵

شمارگان: هزار نسخه

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ پ: ۲۶/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱(داخلی ۱۱۷و۱۱۶))/۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس:۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ:۳۵۵۱۵۶۵۵

www.mahdi۳۱۳.com

www.mahdaviat.ir

info@mahdaviat.ir

Entesharatbonyad@chmail.ir

ص: ۳

نقشه راه

فهرست مطالب:

بسم اللّه الرحمن الرَّحیم

«مسیر اوّل»

مراقب باشید فقط کسانی را که نقشه دارند، راه دهید.

قربان! آن شخص که در آن گوشه ایستاده می گوید تازه به این جا رسیده و راه بَلَد نیست، نقشه ای هم به همراه ندارد. تکلیف چیست؟

امشب جایی به او بدهید تا فردا برای تهیه نقشه اقدام کند.

کوه ها سر به فلک کشیده، دره ها پرشیب، مسیر سخت و ناهموار.

راست می گفت؛ چگونه بدون نقشه این مسیر را طی کنم؟ استخوان های کنار مسیر ترسم را بیشتر کرده، نکند من هم به سرنوشت آنها دچار شوم؟

در همین ورودی راه، تابلوهای کوچک قرمزرنگی نصب شده است. باید نزدیک تر شوم تا بتوانم جمله ای که بر روی آن نوشته شده را بخوانم: «خطر قطع اعضا و انفجار! نزدیک نشوید!»

یعنی این مسیر این قدر خطرناک است که حرکت در ابتدای آن هم بدون نقشه

امکان ندارد؟ مگر این جا کجاست؟ جنگی شده یا منطقه ای جنگی است؟ در همین زمان، رشته افکارم با صدایی پاره شد:

شما می توانید فعلاً به محل استراحت بروید تا وضعیت مشخص شود.

از شدت خستگی خوابش برد.

صبح بعد از نماز، شخصی به طرفش آمد و گفت: «به شما تبریک می گویم. کارتان درست شد. می توانید بروید...

این هم نقشه ی راه.»

(۱)

[نزدیک ترین نزدیک]

این تابلوِی ورودی مسیر ناشناخته ای بود که قرار است او در این سفر طی کند؛ سفری که شاید یک بار برای همیشه باشد،

با رسیدن می توان همیشه بود، می شود هر چه را که آرزوست دید و به آن دست یافت.

توضیح این نقشه، این گونه نگاشته شده است:

«نزدیک تر از هر چیزی است که به فکر بیاید. با همه همراه است و مخفی بودن چیزی در او راه ندارد. هر چه بوده و هست و در روزگار آینده خواهد آمد او را نشان می دهد. چشمی نمی تواند او را انکار کند. در برتری چیزی به والایی او یافت نمی شود؛ ولی مرتبه رفیع او، او را از ما دور نکرده است. ذهن هایمان به چیستی او انس نگرفته؛ امّا آن ها را از شناسایی خود باز نداشته است. حتی منکران او نیز، به وجود او اعتراف می کنند.

او از همان روز اول بود و همیشه فقط اوست که باقی است. هر واحد و تنهایی جز او، اندک است. هر عزیزی جز او خار و هر نیرومندی جز او ضعیف و ناتوان است.»

کلمات نوشته شده در نقشه چشمان او را به حیرت واداشته است. او «نزدیک ترین نزدیک است» یعنی چه؟ شاید باید چند گام جلوتر رود تا سرگردانی اش کمتر شود. ابرهایی جمع شده در دل آسمان، برای لحظه ای سر به سوی آسمان برمی دارد. بر روی ابرها حروف و کلماتی است که پس از چند ثانیه، واضح تر می شود: «هر مالکی جز او بنده و هر عالمی جز او دانش آموز است.»

آن زمان که نه از آسمان پر از برج های زیبا خبری بود و نه از پرده های

فرو افتـاده اثری به چشم می خورد، نه شبی تاریک و نه دریایی آرام، نه کوهی با راه های گشوده، نه درّه ای پر پیـچ و خم، نه زمینی گسترده و نه آفریـده هـایی پراکنـده، او بود. آفتـاب و مـاه به رضایتِ او می گردنـد. همه، جیره خواران سـفره اوینـد. به مشـتاقان خویش و خواسـتاران آنچه در نزد اوست، راهِ روشن را نشان داد. سخاوت او در آن جا که از او بخواهند با آن جا که از او درخواست نکنند، بیشتر نیست!

اگر آنچه از درونِ معادنِ کوه ها بیرون می آیـد یا آنچه از لبان پرخنـده صدف های دریا خارج می شود، از نقره های خالص، طلاهای ناب، دُرها و مرجان های دست چین، همه را ببخشد، در سخاوتِ او کمترین اثری نخواهد گذاشت!

او همان است که اگر وهم و خیال بخواهد برای درک اندازه قدرتش تلاش کند و افکار وسیع دانشمندان بخواهد به ژرفای او راه یابد، به عجز خود اعتراف می کنند.

از جایگـاه پرورش میوه در درون پرده هـای شـکوفه ها، از مخفی گاه های حیوانات وحشـی در دل کوه ها و اعماق درّه ها، از نهانگاه پشه ها بین ساقه ها و پوست درختان، از محل پیوستگی برگ به شاخسارها و... آگاهی دارد.

[همچنان پلک های او از شگفتی دیر به دیر زده می شود و سر به آسمان و ابرهایش دارد.]

از آنچه پرده ابر را به وجود می آورد و به هم می پیوندد، از قطرات بارانی که از

ابرهای متراکم می بارند، آنچه که گردبادها از روی زمین برمی دارند و باران ها با سیلاب آن را فرو می نشانند، ریشه گیاهان زمین که میـان انبوه شن و مـاسه پنهـان شـده است، از لانه پرنـدگانی که در قلّه بلنـد کوه هـا جـای گرفته و از نغمه مرغان در آشیانه های تاریک، آگاه است!

آسمان ها و زمین، کلیدهای خویش را به او سپرده اند، و درختان شاداب و سرسبز، صبحگاهان و شامگاهان در برابرش سجده می کننـد. از شـاخه هـای درختان، نور سـرخ رنگی شـعله ور شـده که به فرمان او، میوه های رسـیده را به انسان ها تقـدیم می دارند.

ستارگان را نشانه های هدایت گر بیابان ماندگانِ سرگردان قرار داد تا به

وسیله آن ها راهنمایی شوند؛ ستارگانی که پرده های تاریکِ شب، مانع نورافشانی آن ها نمی شود و نمی تواند از نورافشانی و تلألؤ ماه در دل آسمان جلوگیری کند!

] ابرها فشرده شدند و شروع به باریدن کردند.[

(۲)

فضای باز، پستی و بلندی و فاصله های وسیع آسمان ها را بدون این که بر چیزی تکیه داشته باشد، نظام داد و شکاف های آن را به هم آورد. هر یک را با آنچه که تناسب داشت و جفت بود، پیوند داد.

دشواری فرود آمدن و برخاستن فرشتگانی که فرمان او را به خلق می رسانند یا اعمال بندگان را بالا می برند را آسان نمود.

وقتی که آسمان به صورت دود و بخار بود، با فرمان خود، رابطه بین آن را برقرار، سپس آن ها را از هم جدا کرد و بینشان فاصله انداخت. بر هر راه و شکافی از آسمان، نگهبانی از شهاب های روشن گماشت و با دست قدرت، آن ها را از حرکاتِ ناموزون در فضا نگه داشت؛ آفتاب را نشانه روشنی بخش روز، و ماه را با نوری کم رنگ برای تاریکی شب ها قرار داد، سپس آن دو را در مسیر حرکت خویش به حرکت درآورد تا در درجات تعیین شده حرکت کنند تا بین شب و روز متفاوت و قابل تشخیص شود و با رفت و آمد آن ها، شمارش سال ها و اندازه گیری زمان ممکن باشد.

قسمت های سرکش آب از سنگینی زمین فرو نشست و هیجانِ آن بر اثر

تماس با زمین آرام گرفت. زمین با پشت بر آن می غلطید و آن همه سر و صدای امواج ساکن و آرام شده، چون اسب افسار شده رام گردید.

خشکی های زمین را در دل امواج، گسترد و آب را از کبر و غرور و سرکشی بازداشت. آن گاه از شدّت حرکتش کاسته شد و پس از آن همه خروش و سرکشیِ متکبرانه به جای خویش ایستاد. پس هنگامی که هیجان آب در اطراف زمین فرو رفت و کوه های سخت و مرتفع را بر دوش خود حمل کرد، چشمه های آب از فراز کوه ها بیرون آمد و آب ها در شکاف بیابان ها و زمین های هموار روان شد.

]گاهی تصویری از آسمان، نوشته ای در دل کوه، جملاتی در دلِ آب زلال، سعی

می کنـد قـدم ها را طبق نقشه بردارد. در طول این چنـد ساعت حرکت، ارزش نقشه و لـذت راه را چشـیده؛ لذتی که شاید در ابتدای مسیر تصوّرش را هم نمی کرد![

برای نزدیـک شـدن به خود، بنـدگانش را بـا نمـاز و زکـات و روزه داری در روزهـایی که واجب شـده، حفظ کرد. تا اعضا و جوارحشان آرام، دیدگانشان خاشع، جان و روانشان فروتن، دل هایشان متواضع باشد، کبر و خودپسندی از آنان رخت بربندد؛ چرا که در سجده، به خـاک مالیـدن بهترین جـای صورت، فروتنی می آورد و گذاشـتن اعضـای پُرارزش بـدن بر زمین اظهارِ تواضع و روزه گرفتن عامل خویشتن داری است. پرداخت زکات و مصرف شدن میوه جات زمین و غیر آن برای رفع نیازمندی های

فقرا و مستمندان است. به آثار عبادت بنگرید که چگونه شاخه های درخت تکبّر را در هم می شکند و از روییدن کبر و خودپرستی جلوگیری می کند!

آیا می شود از این همه نشانه راه چشم پوشید؟!

ساکنان دنیا در حال کوچ کردن هستند و چونان کشتی طوفان زده در دل دریاها می لرزند و با وزش بادها آن ها را به این سو و آن سو می برند.

آماده حرکت شوید. خدا شما را بیامرزد. بانگ کوچ سر داده شد. وابستگی به خود را کم کنید و با زاد و توشه نیکو به سوی منزل مقصود بازگردید که پیشاپیش شما، گردنه های سخت و دشوار و منزل گاه هایی ترسناک وجود دارد که باید در آن جا فرود آیید و توقف کنید.

آگـاه باشـید! فاصـله مرگ با شـما کوتاه و گویا چنگال هایش را در جان شـما فرو برده است. کارهای دشوار راه، مرگ را از یادتـان برده و بلاهـای طـاقت فرسا آن را از شـما پنهان داشـته است. پس دل بسـتگی های خود را به راه قطع کنیـد و از قناعت کمک بگیرید.

«مسیر دوّم»

دست های آسمانی

[رعدی بر زمین زد. چشم ها را که باز کرد خود را درمسیری دیگر دید. گویا مسیری جدید شروع شده بود]

او پیمان وحی را از آن ها گرفت تا امانت رسالت را به مردم برسانند، آن گاه که در عصر جاهلیت، بیشتر مردم پیمان خدا را نادیده انگاشتند، حقّش را نشناختند

و در برابر او به خدایان دروغین روی آوردند. شیطان، مردم را از معرفت او بازداشت و از پرستش او جدا کرد. خداوند پیامبران خود را مبعوث و آن ها را اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنها بازجویند، نعمت های فراموش شده را به یاد آورند و توانمندی های پنهان شده عقل هایشان را آشکار کنند.

او هرگز انسان را بدون پیامبر، کتاب آسمانی، برهان قاطع یا راهی استوار رها نکرده است. پیامبرانی که با اندک بودن یاران و فراوانی انکارکنندگان، هرگز در انجام وظیفه خود کوتاهی نکردند. بدین گونه قرن ها پدید آمد و روزگاران سپری شد؛ پدران رفتند و فرزندان جای آن ها را گرفتند تا این که خداوند برای

وفای به وعده خود و کامل کردن نبوّت، نبیّ خود محمد صلی الله علیه و آله و سلم را فرستاد؛ کسی که از همه پیامبران، پیمان پـذیرش نبوت او گرفته شـد؛ در روزگـاری که مردم روی زمین در مـذاهبی گونـاگون با خواسـته های گوناگون و روش های متفـاوت، خـدا را به پدیـده هـا تشبیه کرده، نام های ارزشـمند او را انکار و به بت ها نسـبت می دادنـد و برخی نیز به غیر خـدا اشاره می کردند...

نشانه های او شهرت داشت و تولّدش بر همه مبارک بود. خداوند همه را به وسیله او از گمراهی نجات داد و از جهالت رهایی بخشید.

در گوشه هایی از راه با خطوطی زیبا، دعاهایی این گونه نوشته بود که:

«بـار خـدایا! ای گستراننـده هر گسترده! ای نگارنـده آسـمان هـا و ای آفرینـنـده دل ها بر فطرت های خویش! بهترین درودها و افزون ترین برکات خود را بر محمـد، بنده و فرسـتاده ات اختصاص بده که خاتم پیامبران گذشـته، گشایش گر درهای بسـته و آشکارکننده حق و برهان، دفع کننده لشکرهای باطل و در هم کوبنده شوکت گمراهان است؛ آن گونه که بار سنگین رسالت را بر دوش کشـید، به فرمانت قیام کرد، به سرعت در راه خوشنودی تو گام برداشت و حتی قدمی هم به عقب برنگشت و اراده اش سـست نشـد، در پـذیرش و گرفتن وحی تو نیرومنـد و حافظ و نگهبان عهـد و پیمانت بود، در اجرای فرمانت تلاش کرد تا آن جا که نور حق را

آشکار و راه را برای جاهلان هموار ساخت و دل هایی که در فتنه و گناه فرو رفته بود را با دست هایش به آسمان برد.

پروردگارا! برای او در سایه لطف خود جای وسیعی بگشای و از فضل و کرمت پاداشش را فراوان گردان.

خداوندا! آیین او را از هر آیینی برتر و مقام او را در پیشگاه خود گرامی تر گردان، نورش را کامل گردان و پاداش رسالت او را پذیرش شفاعتش قرار ده؛ اوست که دارای منطقی عادلانه و راه جدا کننده حق از باطل است.

از بعثت پیامبران پیشین، مدت ها گذشته و ملت ها در خواب عمیقی فرو رفته اند. فتنه و فساد همه جا را فرا گرفته، آتش جنگ همه جا زبانه می کشد و راه،

بی نور و پر از مکر و فریب شده است. برگ های درخت زندگی به زردی گراییده و از میوه آن خبری نیست. آب حیات خشکیده و نشانه های راهیابی، کهنه و ویران شده است.

پرچم های هلاکت و گمراهی آشکار و با چهره ای عبوس و غم آلود با مسافران راه روبه رو می شود. این جا میوه درختش فتنه و خوراکش مردار است. در درونش وحشت و اضطراب و در بیرون، شمشیرهای ستم حکومت می کنند تا آن که خداوند به برکت وجود محمّد صلی الله علیه و آله و سلم کینه ها را دفع و آتش دشمنی ها را خاموش کرد. با او میان دل ها الفت و مهربانی ایجاد کرد و انسان های خوار و ذلیل و محروم در پرتو او عزّت یافتند. گفتار او روشنگر

واقعیت ها و سکوت او زبانی گویا بود. او بود که از درخت تنومند پیامبران، از سرچشمه نور و حکمت، از جایگاه والا و بی مانند، از سرزمین «بطحاء» و از چراغ های برافروخته در تاریکی ها برگزیده شد.

پیامبر طبیبی بود سیّار، برای درمان بیماران. مرهم های شفابخش او آماده شفای قلب های کور و گوش های ناشنوا و زبان های لال بود. با داروی خود، در پی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان بود.

او با جان و دل به فریبنده های راه پشت کرد و یاد آن را در دلش میراند. دوست داشت زینت های آن از چشمانش دور نگه داشته شود.

[کم کم هوا رو به تیرگی است.]

سپس خداوند آن چه نزد خود داشت برای او پسندید و او را به دیدار خود فرا خواند؛ امّا او در میان شما، جانشینانی برگزید...

[رعد دیگری کل مسیر را در بر گرفت.]

«مسیر سوّم»

تابلوهایی در مسیر نصب شده: «از نورها فاصله نگیرید که راه را گم می کنید.»

او، پس از رسول خود، عترت او را راهنمای این مسیر دشوار قرار داد؛ کسانی که جایگاه اسرار خداوندی، پناه فرمانِ الهی، مخزنِ علم خدا، نگهبان کتاب های آسمانی و کوه های همیشه استوار دینند.

خداوند به وسیله اهل بیت علیهم السلام پشتِ خمیده دین را راست نمود و لرزش و اضطراب آن را از میان برداشت.

کسی را با خاندان رسالت، نمی شود مقایسه کرد. کسانی که با آن ها به راه می آیند با ایشان برابر نخواهند بود. عترت او، اساس دین و ستون های استوارِ یقین می باشند.

شتاب کننده باید به آن ها برگردد و عقب مانده باید به آن ها بپیوندد. هم اکنون حق به اهل آن بازگشت.

[پس از ساعت ها راه، برای ساعتی زیر سایه ای استراحت کرد. نقشه را باز کرد تا مسیر آینده را بهتر بشناسد.]

اما پس از کوچ کردن، بت دیگری به ناحق،جامه خلافت را بر تن کرد؛ در حالی که می دانست جایگاهِ امام در جامعه، چون محورِ آسیاب است به آسیاب که دور آن حرکت می کند. او می دانست که سیل

علوم از دامن کوهسار او جاری می شود و مرغانِ دور پروازِ اندیشه ها، به بلندای ارزش او نتوانند پرواز کنند.

پس، امام ردایِ خلافت را رها کرده، دامن جمع نموده، از آن کناره گیری کرد و در این اندیشه بود که آیا می تواند به تنهایی برای گرفتن حق خود به پا خیزد یا در این محیط خفقان زا و تاریکی که به وجود آوردند، صبر پیشه کند؟ محیطی که پیران را فرسوده،جوانان را پیر و مردان باایمان را تا قیامت و ملاقات پروردگار، اندوهگین نگه می دارد!

پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دید. پس صبر کرد در حالی که خار در چشم و استخوان در گلویش مانده بود.

امام رو به مردم کرد و فرمود: «شما مردم به وسیله ما، از تاریکی جهالت نجات یافته و هدایت شدید و به کمک ما به اوج ترقّی رسیدید. صبح سعادت شما با نور ما درخشید. کجاست گوشی که بانگ بلندِ پندها را نشود؟ آن کس را که فریاد بلند، او را کَر کند، آوای نرمِ حقیقت چگونه در او اثر خواهد کرد؟

من برای بردن شما به راه های حق به پا خاستم که در میان جاده های گمراه کننده بودید. به پا خاستم در حالی که سرگردان بودید و راهنمایی نداشتید؛ تشنه کام هر چه زمین را می کندید قطره آبی نمی یافتید!

امروز، زبان بسته را به سخن می آورم. دور باد رأی کسی که با راهنمای خود مخالفت کند. از روزی که حق به من نشان

داده شـد، هرگز در آن شک و تردید نکردم. کناره گیری من چونان حضـرت موسـی در برابر ساحران است که بر خویش بیم ناک نبود؛ ترس او برای این بود که مبادا جاهلان پیروز شده و دولت گمراهی حاکم شود.

امروز، ما و شما بر سر دو راهی حقّ و باطل قرار داریم. آن کس که به وجود آب اطمینان دارد، تشنه نمی ماند...»

(۲)

[صدای اسب و نیزه و شمشیر به گوش می رسد.]

امام همواره منتظر سرانجام حیله گری مردم بصره بود و نشانه های فریب خوردگی را در آن ها می نگریست.

به قول امام: «تظاهر به دین داری، پرده ای میان ما کشید.»

امام برای مردم خطبه می خواند:

«طلحه و زبیر و یارانشـان بر من خروج کردنـد و همسـر رسول خـدا، عایشه را به همراه خود می کشـیدند، چونان کنیزی که به بازار برده فروشان می برند. به بصره روی آوردند، در حالی که همسران خود را پشت پرده نگه داشتند.

[اما همسر پیامبر را در برابر دیدگان خود و دیگران قرار دادند.]

لشکری را گرد آوردند که همه آن ها به اطاعتِ من گردن نهاده و بدونِ اکراه و با رضایت کامل با من بیعت کرده بودند.

پس از ورود به بصره، به فرماندار من و خزانه دار بیت المال مسلمین، و به مردم

بصره حمله کردند. گروهی از آنان را شکنجه و گروهی دیگر را با حیله کشتند.

به خدا سوگند! اگر جز به یک نفر دست نمی یافتند و او را عمداً بدونِ گناه می کشتند، کشتار همه آن ها برای من حلال بود، زیرا همگـان حضور داشـتند و انکـار نکردنـد و از مظلوم بـا دست و زبان دفاع ننمودنـد، چه رسـد به این ناکثین، که به تعـداد لشکریان خود از مردم بی دفاع بصره قتل عام کردند.»

امام قلمی برداشت و به معاویه چنین نوشت:

«چه خواهی کرد آن گـاه که جـامه هـای رنگینِ تو کنـار رود، جامه هایی که به زیبایی های دنیا زینت داده شـده؟ دنیا تو را با خوشی های خود فریب داده، تو را به

سوی خود فرا خوانـد و تو به دعوت آن پاسـخ دادی؛ فرمانت داد و اطاعت کردی. همانا به زودی تو را وارد میـدان خطرناکی می کند که هیچ سپر نگه دارنده ای نجاتت نمی دهد.

ای معـاویه! از این کـار دست بکش و آمـاده حسـاب بـاش؛ آمـاده حوادثی بـاش که به سـراغِ تو می آیـد. به گمراهان فرومایه گـوش مسـپار. اگر چنین نکنی، به تـو اعلاـم می دارم که در غفلت زنـدگی قرار گرفته ای. همانـا تو نـازپرورده ای هسـتی که شیطان بر تو حکومت می کند. با تو به آرزوهایش می رسد و چون روح و خون در سراسر وجودت جریان دارد.

معاویه! از چه زمانی شما زمامداران امّت و فرماندهان ملّت بوده اید؟ نه سابقه

درخشانی در دین و نه شرافت والایی در خانواده دارید. به خدا پناه می برم از گرفتار شدن به دشمنی های ریشه دار! تو را می ترسانم از این که به دنبال آرزوها باشی و آشکار و نهانت یکسان نباشد.

معاویه! مرا به جنگ خوانده ای؟ اگر راست می گویی مردم را بگذار و به جنگ من بیا و دو لشکر را از کشتار بازدار تا بدانی پرده تاریک بر دل کدام یک از ما کشیده شده و دیده چه کس پوشیده است؟

من، ابوالحسن، کشنده جد، دایی و برادر تو در روز نبرد بدر هستم که سرِ آنان را شکافتم. امروز نیز همان شمشیر با من است و با همان قلب با دشمنان ملاقات می کنم؛ نه بدعتی در دین گذاشته و نه

پیامبری جدید برگزیده ام. من بر همان راهِ راست الهی قرار دارم که شما با اختیار رهایش کرده و با اکراه پذیرفته بودید.»

[همینک مردهایی را می بینم که آثار وقار و آرامش از رخساره شان دلم را به آن ها سپرده است. بله آن ها اصحاب همان امام و امیر این راهند.]

«جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است که خداوند آن را بر روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداوند است. کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خداوند لباس ذلّت و خواری بر او می پوشاند، دچار بلا و مصیبت می شود، کوچک و ذلیل می گردد، دل او، در پرده گمراهی مانده، حق از او روی

برمی گرداند و به خواری محکوم و از عدالت محروم است.»

امام سخنان خود را به یاران چنین ادامه می دهد:

«ای گروهِ مسلمانان! لباس زیرین را ترس از خدا و لباس رویین را آرامش و خونسردی قرار دهید. دندان ها را به هم بفشارید تا مقاومت شما در برابر ضربات شمشیر دشمن بیشتر گردد. زره نبرد را کامل کنید. پیش از آن که شمشیر را از غلاف بیرون کشید، چند بار تکان دهید. با گوشه چشم به دشمن بنگرید، ضربت را از چپ و راست فرود آورید، با تیزی شمشیر بزنید و با گام برداشتن به پیش، شمشیر را به دشمن برسانید. بدانید که در پیش روی خدا و پسر عموی پیغمبر قرار دارید. پی

در پی حمله کنید و از فرار شرم دارید، زیرا فرار در جنگ، لکه ننگی برای نسل های آینده و مایه آتش روز قیامت است. از شهادت خرسند باشید و به آسانی از آن استقبال کنید.

به آن گروه فراوان اطراف خیمه پر زرق و برق و طناب در هم انداخته معاویه به سختی حمله کنید و به قلب آن ها هجوم برید که شیطان در کنار آن پنهان شده، دستی برای حمله در پیش و پایی برای فرار آماده دارد. مقاومت کنید تا ستون حق بر شما آشکار شود. شما برترید، خدا با شماست و از پاداش اعمالتان نمی کاهد.»

[حالتی دارم که احساس می کنم روزگاری ست در این راه قدم برداشته ام. با برنامه و نقشه چه زیبا می شود هم از

آسایش ها و هم از سختی ها لذت برد و دانست که هر چه هست باید واقع شود تا بهتر به آخرین منزل رسید. منزل به منزل قلب او به آرامش و اطمینان بیشتری می رسد. احساس می کند باید قدر خود را بیشتر بشناسد. بدانند برای چه آمده و از راهنمای این مسیر جدا نشود. در طول راه کتابی به دست او داده اند برای این که در تنهایی ها، ترس او را فرا نگیرد و در تاریکی ها به دلش وحشتی راه نیاید، کتابی که شرحش این گونه است:]

«باید به آن اعتماد کرد و از نورش بهره برد. قرآن پنددهنده ای است که نمی فریبد، هدایت کننده ای است که گمراه نمی کند، سخن گویی است که هرگز دروغ نمی گوید و کسی با او هم نشین نشد مگر

آن که در هدایت او افزود و از کوردلیِ او کاست. آگاه باشید کسی با داشتن قرآن، نیازی ندارد و بدون قرآن بی نیاز نخواهد بود. پس درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی ها از او یاری بطلبید.»

[هوا تاریک شده، گویا خبری در راه است.]

«آن گاه که امور زندگی پیاپی بگذرد، روزگاران سپری شود و رستاخیز برپا گردد، انسان ها از شکاف گورها، لانه پرندگان، خانه درندگان و میدان های جنگ بیرون می آیند، با شتاب به سوی فرمان پروردگار می روند و به صورت دسته هایی خاموش و صف های آرام و ایستاده حاضر می شوند. چشم بیننده خدا، آن ها را می نگرد و صدای فرشتگان به گوش آن ها

می رسد. لباس نیاز و فروتنی پوشیده، درهای حیله و فریب بسته و آرزوها قطع شده است. دل ها آرام، صداها آهسته، عرق از گونه ها چنان جاری ست که امکانِ حرف زدن نیست.

[منادی از آسمان کلامی را می گوید که گویا با تمام شدن دنیا، باید حادثه ای عظیم رخ دهد. درست است! همان حادثه که شب دنیا را روز و دل ها را به خواسته هایشان می رساند.]

امام مهدی(عج) خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خود قرار می دهند. زمین میوه های دلِ خود را برای او بیرون می ریزد و کلیدهایش را به او می سپارد. او روش عادلانه در حکومت حقّ را به شما

می نمایانـد. او با چراغی روشـنگر در فتنه ها، گام می نهـد و گره ها را می گشاید، بردگان و ملّت های اسـیر را آزاد می کند. در آن زمان، در صبحگاهان و شامگاهان جام های حکمت نوشیده می شود.»

همه جا را نور فرا گرفته است. این همان واقعه ای است که بر روی نقشه با علامتی زیبا نشانه گـذاری شده و در زیر آن نوشـته شـده: «روز رسـیدن به مقصـد و روز برآورده شـدن وعـده هـا و آرزوهـا». در منزل آخر وقتی از راهبانان، راز نقشه را پرسـید، دانست که این نقشه، سـال هـای گذشـته، از زبـان مبارک امام او امیرالمؤمنین علیه السـلام گفته شـده و هم اکنون در صـحیفه پروسعت «نهج البلاغه» حاضر می باشد؛ نقشه ای که جابه جای سه مسیر آن به این شرح است:

ص: ۴۳

منابع

مسیر ۱: «نزدیک ترین نزدیک»

۱. شناخت خداوند: خطبه های ۱، ۴۹، ۹۵، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۹۵، ۹۱، ۹۱، ۹۴، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۳۳، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۱۳.

۲. سپاس از او: خطبه های ۲، ۳۵، ۱۰۱، ۱۱۴، ۱۳۲، ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۹۰، ۱۹۵، ۲۱۵.

۳. خلقت و نشانه های او: خطبه های ۹۱، ۱۰۹، ۱۴۳، ۱۵۵، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۸۵، ۲۱۱.

۴. تقوا و ثواب ها:خطبه های ۱۲، ۱۶، ۳۲، ۷۶، ۸۳، ۸۷، ۱۱۴، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۵،

۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۳۰.

مسیر ۲: «دست های آسمانی»

۱. جاهلّیت: خطبه های ۲، ۲۶، ۸۹، ۹۵.

۲. رسالت: خطبه های ۱، ۲، ۳۲، ۷۲، ۸۹، ۹۱، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۳، ۱۸۵، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۶.

۳. شیطان و اتباع او: خطبه های ۷، ۱۷، ۸۳، ۸۷، ۱۲۱، ۱۵۳، ۱۹۲.

۴. فتنه ها: خطبه های ۵، ۵۰، ۱۵۱، ۱۶۸ و حکمت ۹۳.

مسیر ۳: «نورهای راه»

۱. امـامت: خطبه های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۲۶، ۲۷، ۳۴، ۳۷، ۵۴، ۵۷، ۶۷، ۷۰، ۷۴، ۷۵، ۸۷، ۹۲، ۹۳، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱،

۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۲، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۳، ۲۳۸، ۲۳۹ و نامه های؛ ۶ و ۱۸، ۲۸، ۴۵، ۶۲، ۶۴، ۷۸، ۱۴۷.

۲. یاران و دشمنان امام: ۱۹، ۲۲، ۲۶، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۶، ۴۴، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۸، ۶۹، ۷۳، ۷۷، ۸۴، ۸۷، ۹۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۲، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۸، ۲۳۸، ۲۴۰ و نامه های ۱، ۲، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۴، ۴۹، ۵۴، ۶۳، ۶۵، ۷۳، ۷۷.

ص: ۴۶

۳. جنـگ هـای امام: خطبه های ۱۰، ۱۱، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۴، ۳۵، ۴۳، ۵۱، ۵۵، ۱۲۳، ۱۷۱، ۲۰۶، ۳۳، ۴۸، ۶۶، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۹۰ و نامه های ۵۳، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۴، ۷۰، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۸، ۳۶.

۴. قرآن: خطبه های ۱، ۹۱، ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۵۲، ۱۶۷، ۱۷۶، ۱۸۳، ۱۹۸ و حکمت ۲۷۰.

۵. سیاست و حکومت: خطبه های ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۴۰، ۵۶، ۷۱، ۱۲۲، ۱۵۹، ۱۹۲، ۲۲۵ و نامه های ۳، ۴، ۵، ۲۰، ۲۱، ۲۶، ۲۷، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۶، ۵۹، ۶۱، ۶۹، ۷۱، ۷۴، ۷۶.

۶. اجتماعیّات و پیشگویی ها: خطبه های ۳، ۳۲، ۴۶، ۴۷، ۵۳، ۷۹، ۸۰، ۹۳، ۹۷، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۳،

۱۳۸، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۸۷، ۱۹۲، ۲۱۶، ۲۳۳، ۲۳۴، ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۳۱، ۴۷، ۵۳، ۷۸، ۷۹ و حکمت های ۳۸، ۱۰۸.

۷. اخلاقیّات: خطبه های ۱، ۱۴، ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۴۱، ۴۲، ۴۵، ۶۴، ۶۷، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۹۰، ۹۴، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۴۱ و نامه های ۳، ۲۳، ۲۶، ۳۱، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۶۶، ۶۹، ۷۲، ۷۵ و حکمت های ۳۱، ۷۸، ۱۱۳، ۱۲۶، ۱۴۷، ۱۵۰، ۲۱۱، ۲۲۸، ۲۵۲، ۲۷۳، ۲۸۹، ۳۴۹، ۳۷۱، ۳۷۳،

۳۷۴، ۳۷۹، ۴۱۷، ۴۳۲.

۸. دنیا:خطبه های ۳۲، ۴۵، ۵۲، ۶۳، ۸۲، ۸۳، ۹۹، ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۴۵، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۹۱، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۳۰ و نامه های ۳، ۳۱، ۹۸، ۷۷، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۹۱، ۲۶۹، ۳۶۷، ۳۷۲، ۴۱۶.

۹. مرگ، آخرت و قیامت: خطبه های؛ ۲۰، ۵۲، ۶۲، ۸۳، ۸۵، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۳۲، ۱۴۹، ۱۵۷، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۵، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۳۰ و نامه های ۲۲، ۲۷، ۳۱.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹